
راهکارهای موثر بر توسعه معنویت از طریق خویشتن سازی در جوانان

نسترن بهرمان^۱ (نویسنده مسئول)

نرگس نجاتی^۲

چکیده

توسعه معنویت یکی از مهم ترین بحث های امروز در جهان اسلام است. موضوع معنویت معمولاً فراتر از ارتباط انسان با جهان است. معنویت ارتباط مستقیم با زندگی روزمره انسان نیز دارد. معمولاً در قالب دوبخش فردی و اجتماعی بیان می شود. توسعه معنویت توسط جوانان، نیازمند مهارت است و باید با توجه به مقتضیات هر زمان، راهکارهایی را ارائه داد. در این راستا لازم است سطح جوانان، ارتقاء یافته، که آن ها بتوانند بر حسب آن مبانی، معارف را نشر دهند و اگر چنین نشود فرصت بیشتری برای نفوذ دشمن در جوامع اسلامی فراهم می گردد. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی است. در این مقاله سعی بر آن شده است تا راهکارهای تحقق توسعه معنویت توسط جوانان از منظر قرآن و حدیث، بانگاهی

۱. دانش پژوه دکتری مدرسی معارف اسلامی (گرایش قرآن و متون) Na.bahreman@gmail.com

۲. کارشناسی علوم قرآن و حدیث narges.nejati137638@gmail.com

به بیانات معظم له " و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرارگیرد. پر واضح است که زندگی بر پایه معنویت بوده و نشرمعارف آن از فرد به جامعه رواج پیدا می نماید، که در این میدان جوانان از انرژی و توانایی جسمی بیشتری نسبت به دیگر اقشار جامعه برخوردارند، لذا باید با ارائه راهکار و برنامه ریزی، آن ها را وارد عرصه نمود.

کلید واژگان: توسعه معنویت، قرآن و حدیث، توسعه معنویت توسط جوانان، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

مقدمه

اسلام با تبلیغات دینی توسط پیامبر شروع شده و در توسعه، ترویج و نفوذ آن تا حد زیادی در جهان تأثیر گذار بوده است. این مسیر الهی توسط پیامبر ﷺ و معصومین به تمام جهان نشان داده شد و ادامه این حرکت توسط ائمه، اصحاب، فقها، علما و جوانان انقلابی صورت پذیرفته است.

معنویت به معنای وجود معنا یا حقیقت نهایی و یا راهی درونی است که شخص را به درک عمیق‌ترین معانی و ارزش‌های زندگی و کشف ماهیت هستی قادر می‌سازد که فرد بتواند به سطح بالاتری از هوشیاری و یا رسیدن به حکمت دست یابد تا علاوه بر کسب آرامش فردی، شادی و آرامش اجتماعی را به دیگران انتقال دهد. توسعه معنویت توسط جوانان، از دو زاویه مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت پرداختن به این موضوع، در کاربردی بودن آن نهفته است، چرا که؛ این امر در ابتدا رشد فردی جوان و در پی آن، رشد جامعه فعلی و همچنین تربیت نسل آینده را در بر خواهد داشت. چنانچه از نیروی جوانی افراد در این امر استفاده نشود، قطعاً دشمنان از روش‌های گوناگون بهره برده تا بر ذهن جوان مسلط گردند. پس لازم است تا قبل از تسلط دشمن بر ذهن جوانان، برای آن‌ها برنامه‌ریزی نمود. لذا لازم است استعداد های نهفته آن‌ها شکوفا، و در این راستا پرورش یابد.

در این پژوهش، در ابتدا؛ به مفهوم معنویت پرداخته و با تمسک به آیات و روایات و اشاره‌ای به بیانات مقام معظم رهبری، صورت گرفته است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

در این موضوع؛ کتاب‌ها و مقالات و پایان نامه‌های متعددی نگاشته شده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا خلاءهای موجود در پژوهش‌های پیشین، رفع گردد.

از مقالاتی که در این موضوع به نگارش درآمده عبارت است از: شاخص‌های جامعه معنوی از منظر قرآن کریم و حدیث به نویسندگی: سهیلا همتی مامو، سهراب مروتی، فاطمه اردشیری، زهرا رضایی که در فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران

مسلمان در سال ۹۶ به چاپ رسیده است. در این پژوهش شاخص‌های معنویت نام برده شده، که عبارت است از: آزادی، ظلم ستیزی، بصیرت، عدالت محوری، اشتغال، مدارا و رزوی، توانمندی، و... این موضوعات در آیات و روایات بررسی نموده ولی به بیانات رهبری، اشاره نشده است.

مقاله‌ای دیگر با عنوان کارکردهای معنویت در عرصه اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۹۵، توسط محمد جواد رودگر نوشته شده است. در این مقاله، به اقسام معنویت: معنویت دینی و غیر دینی و عرصه‌های گوناگون معنویت (عرصه اقتصاد، سیاست، خانواده و...) از نگاه مقام معظم رهبری، اشاره شده است، و به راهکارهای تحقق توسعه معنویت توسط جوانان اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که پژوهش پیش رو به "ارائه راهکارهایی" جهت توسعه معنویت "توسط جوانان" از منظر آیات و روایات و با نگاهی به بیانیه گام دوم در قسمت معنویت و اخلاق و دیگر بیانات مقام معظم رهبری، اشاره شده است.

مفهوم‌شناسی

معنای لغوی و اصطلاحی معنویت

معنویت در لغت: «منسوب به معنی»؛ مربوط به باطن و درون، مربوط به فکر، عقل یا احساس درونی مقابل صوری (انوری، ۱۳۸۸، ج ۷، ۱۸۲) است. حقیقت و راستی و اصلی و ذاتی و مطلق و باطنی و روحانی (سباح، ۷۵۹: ۱۳۷۸). «منسوب به معنی» ضد لفظی، حقیقی و راست و اصلی و ذاتی و مطلق و باطنی و روحانی (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ۱۸۷۱۱). «منسوب به معنی» مربوط به معنی، باطنی و حقیقی، در مقابل مادی، ظاهری و صوری (معین ۱۳۶۴، ج ۴، ۴۲۴۴).

معنویت در اصطلاح، ایمان به خدا سرسلسله همه معنویات و فضایل اخلاقی و معنوی است؛ معنویت منهای خداشناسی مانند اسکناس منتشر شده بدون پشتوانه است؛ یعنی اعتبار ندارد و کاغذ بی اعتباری بیش نیست. به عبارت دیگر، معنویت مفهومی منفی

است؛ منظور از آن نبودن سلسله‌ای از امور است. اگر جامعه انسانی به افراد آن به مرحله‌ای برسد که خود پرست، خودخواه و سودجو نباشند، تعصب نژادی، منطقه‌ای و حتی مذهبی نداشته باشند، این نیست‌ها معنویت به حساب می‌آیند. (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۶۶). در نگاه کلی، می‌توان جامعه را مجموعه انسانهایی دانست که در جبر سلسله نیازها و تحت نفوذ سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها، آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در زندگی مشترک غوطه‌ورند روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۳۳).

اصولاً معنویت بی‌خدا، بی‌ریشه است و آدمی در چنین حالتی به سوی نیهلیسم کشیده می‌شود. (جهان‌بگلو، ۱۳۸۳، ج ۱/ ۲۸۹).

مقام معظم رهبری، در مورد معنویت می‌فرمایند: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است. در تعریف مرکزی و اصلی معنویت از دیدگاه رهبری، معنویت ارتباط زنده با امر مقدس در بطن زندگی روزمره و در چارچوبی عقلانی دارد. (شاکر نژاد، ۱۳۹۸: ۸/۰۹). بنابراین با توجه به تعاریفی که از عنوان معنویت ارائه شد، این‌گونه به نظر می‌رسد که جامعه معنوی جامعه‌ای است که اساس و بنیه آن بر حول محور مشترک ایمان حقیقی به خداوند و بندگی او به عبارت دیگر، خدامحوری شکل گرفته باشد. چراکه؛ در حقیقت، معنویت و خدامحوری لازم و ملزوم همدیگر و در یک راستا می‌باشند. به واقع محال است جامعه‌ای خدامحور باشد، اما به معنویت دست نیابد یا به عکس، جامعه‌ای از معنویت دم‌زند و حال آن‌که عملکردش بر مبنای و محور این اعتقاد استوار نباشد. بنابراین چنین جامعه‌ای برای نائل شدن به معنویت، باید به صورت جمعی و واحد از خود حرکت و عکس‌العمل نشان دهند و فقط به اجرای ظواهر دین اکتفا نکند، بلکه حقیقت و کنه و روح دین را، که همان بینش دینی نام دارد، هدف خویش قرار داده و عملکرد خویش را بر مبنای و محور دین نشان قرار دهند.

۱.۱. خویشتن‌سازی

خویشتن‌سازی به معنای پرورش ارزش‌های معنوی توسط جوان در خویشتن است. که لازمه این امر آماده بودن زمین خالی است برای پرورش بذر. یکی از راههای خویشتن‌سازی کسب اخلاص است.

لغت‌شناسان، خودسازی را (به تهذیب اخلاق خود کوشیدن و ظاهر خود آراستن) معنا کرده‌اند، اما در اصطلاح، خودسازی به معنای تکمیل و پرورش نفس و استفاده از تمایلات و خواست‌های نفسانی به صورت هماهنگ و در جای مخصوص خود می‌باشد (دهخدا، علی اکبر، ج ۶، ۸۸۳۳). واژه خودسازی در زبان فارسی، ترجمان و معادل تزکیه در ادبیات عرب است؛ بنابراین با بررسی معنای تزکیه نیز می‌توان به مفهوم خودسازی دست یافت. تزکیه از ماده «زک و» در لغت به معنای استوار ساختن و دور کردن شیء از عیب و کاستی؛ (فراهیدی، العین، ۳۴) و ایجاد رشد، برکت و طهارت در آن (ابن منظور، لسان العرب، ۶، ۶۴) و در اصطلاح علم اخلاق عبارت از پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه است. (نراقی، جامع‌السعادات، ۱، ۴۰۰) خودشناسی به معنای اطلاع بر خود، شناختن خود و عارف به نفس خود شدن می‌باشد (دهخدا، ۲۱، ۸۴۶) و در اصطلاح یعنی شناختن انسان از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی می‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۶۶)

اخلاص فردی جوان

«اخلاص» شریف‌ترین مرتبه رفتار و زمینه ساز کسب عالی‌ترین مراتب اخلاقی است. از منظر قرآن، کسی که دارای اخلاص و توکل به خدا باشد از روحیه قوی برخوردار بوده و خدا نیز او را یاری می‌کند. (حج، ۴۰) و کسی که خدا او را یاری کند شیطان به او دسترسی ندارد و در جای امنی قرار می‌گیرد. امام خمینی در این باره در کتاب صحیفه نور می‌فرماید: «اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید بعد دنبال کار بروید به آن طوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است و این "اخلاص" شما را تقویت می‌کند». (خمینی؛

سال انتشار: ۲۰ / ۷۷) اخلاص پناهگاه مخلصین است؛ همان‌طور که در حدیث سلسله الذهب آمده است: «كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» (ابن بابویه (صدوق)؛ ۲۵ / ۱۳۸۵) پس همانا شایسته است که فرد برای خویشن‌سازی، دینش را برای خدا خالص سازد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ «أَخْلَصْ قَلْبَكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ». تونیت را خالص کن، عمل کم هم تو را کفایت می‌کند. (مجلسی؛ ۷۳ / ۱۷۵) زیرا جوانی که مامور به توسعه معنویت است مامور است که دینش را برای خدا خالص نماید. ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾؛ بگو همانا من مأمورم که خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص گردانم. (زمر: ۱۱) مقام معظم رهبری، در مورد موفقیت امام خمینی رحمته الله علیه، می‌فرماید: «که راز آن همان اخلاص و توجه و اتصال به خدا بود. ایشان توانست معنای «ایاک نستعین» (حمد/۵) را در عمل خود مجسم کند و به منبع لایزال قدرت الهی متصل شود. وقتی یک انسان کوچک و ضعیف و ظرف محدودی، خودش را به اقیانوس بی‌پایانی وصل می‌کند، دیگر هیچ عاملی وجود ندارد که بتواند بر او فایق آید. (بیانات مقام معظم رهبری، در مراسم بیعت اعضای شورای نگهبان امام خمینی رحمته الله علیه، اخلاص، رابطه با خدا، سال: ۱۳۶۸/۳/۲۱)

بنابر این جوانی که قصد دارد تا معنویت را توسعه دهد، در ابتدا باید بذر اخلاص را در وجود خود بکارد و آن را پرورش داده سپس آن را در اجتماع پیاده سازد.

اخلاص اجتماعی

باتوجه به تعریفی که از اخلاص فردی ارائه گردید، فرد باید خود را از هرگونه آلودگی به غیر از خدا خالص نموده و در انجام کارهایش نیت خالص داشته باشد؛ در اخلاص اجتماعی نیز افرادی که خود را از هرگونه آلودگی به غیر از خدا خالص کردند در بین مردم حضور یافته و با سخن خویش دیگران را به داشتن نیت با اخلاص دعوت کند. جوان با اخلاص در تلاش است که نقاط ضعف اطرافیان خود را در قالب امر به معروف و نهی از منکر و... در جامعه گوشزد نموده و آن‌ها را به اخلاص در عمل دعوت نماید. در آیه ۱۴ سوره غافر اینچنین آمده

است که: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ خداوند (یگانه) را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هرچند کافران ناخشنود باشند. (غافر: ۱۴) و نتیجه این عمل یاری خداوند می‌باشد. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِضَعِيفِهَا، بِدَعْوَتِهِمْ وَصَلَاتِهِمْ وَإِخْلَاصِهِمْ». در حقیقت خداوند این امت را به واسطه دعا و نماز و اخلاص ضعیفان آن، یاری می‌کند (سیوطی؛ ۲: ۱/۷۲۴). عاملی که باعث جذب دل‌های مردم در توسعه معنویت می‌شود؛ اخلاص و معنویت است. مقام معظم رهبری، حفظه الله منشاء توسعه معنویت را علاوه بر فکر و اندیشه و مطالعه، اخلاص را ذکر نمودند و می‌فرمایند: «منشأ تبلیغ هم باید فکر و اندیشه و مطالعه باشد و هم "اخلاص و معنویت" و علاقه به مخاطب که برای او تبلیغ می‌کنیم.» بنابر این منشأ باید همان اخلاص و صفا و عشق و علاقه به مخاطبان را داشته باشد؛ ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (التوبه/۱۲۸). این، خصوصیت آن مبلغ اول و داعی اول است که شما دنبالش حرکت می‌کنید. باید با مردم این‌گونه بود. با این منشأ باید با مردم حرف زد. وقتی که مبلغ با این احساس و با آن مایه فکری سخنش وارد میدان می‌شود، مثل مغناطیس دل‌ها را جذب می‌کند، مثل قطرات آب زلال در سخت‌ترین سنگها هم اثر می‌گذارد و در زمین مناسب باروری می‌دهد؛ ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾. آنچه که شما از این زلال معنوی به سرزمین دل‌های مردم و ذهن‌های مردم سرازیر کنید، فوراً پرورش می‌یابد و رشد می‌کند، که نمونه‌های آن را در زندگی‌های خودمان مشاهده کردیم و یک نمونه‌اش همین انقلاب است. این انقلاب عظیم، مهم‌ترین رکن و عاملش همین تبلیغات بود. (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۵۳/۱۰/۱۳۷۶)

«جوانان، سرمایه‌های عظیم یک جامعه، آینده‌سازان نظام و افتخار آفرین مردم‌اند. جامعه‌شناسان معتقدند جامعه‌ای سالم است که جوانانی سالم داشته باشد. یکی از راه‌های مهم تربیت سالم، آشنایی جوانان با آموزه‌های دینی و بایدها و نبایدهاست. بایدها و

نباید‌های دین به مثابه نسخه دکتر است که انسان را از بیماری‌ها نجات می‌دهد و نتیجه آن، ایجاد جامعه‌ای قانون‌مند، متمدن و سالم است. از این رو بایسته است همه مردم به ویژه جوانان با دین بیشتر آشنا شوند» (انصاری؛ ۱۳۸۸: شماره ۷۷)

راهکارهای مؤثر بر توسعه معنویت توسط خویشتن‌سازی

راهکار اول: نهادینه کردن خدا باوری در جوان

توکل همان اعتماد بر خداوند تعالی در جمیع امور و تکیه بر اراده او و اعتقاد به مسبب‌الاسباب بودن خداوند است (باقی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹) در واقع منظور از توکل آن است که انسان اعتقاد قلبی به خداوند داشته باشد و همه کارها را به حضرت حق واگذار نماید و از غیر او به طور کلی روگردان باشد (فیض کاشانی، ۱۳۵۴: ۱/۳۹۷) توکل به خدا، اعتماد و تکیه به خدا و واگذار نمودن کار خویش به قادر علی‌الاطلاق و اطمینان به تدبیر اوست (حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۱/۵۵۱) اگر انسانی مضطرب شود یعنی به قدرت خدا اطمینان ندارد، و همین امر موجب می‌شود آرامش او متزلزل شود.

۱.۱.۱. توکل

توکل فردی جوان

دیگر نکته‌ای که پیرامون پرورش جوان باید در نظر گرفت توکل است. فرد باید بیاموزد که چطور این خصلت را در خود پرورش دهد، در این راستا شخصی به نام حسن بن جهم می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و عرض کردم: جانم به فدایت، حدّ و مرز توکل چیست؟ حضرت فرمودند: "توکل آن است که با اتکای به خدا از هیچ کس نترسی..." (مجلسی، ۱۳۶۲، ۶۸، ۱۳۸) پس جوان با توجه به آموزش‌هایی که از انحاء گوناگون (توسط کلاس‌های آموزشی) فراگرفته به قدرت لایزال الهی ایمان آورده و به خدا توکل می‌کند.

جوان در این آموزش‌ها، باید به این باور برسد که با سلاح توکل می‌تواند در تصمیم‌گیری قدرت بیشتری یافته و با جرات و شجاعت، وارد عمل شود. رسول خدا به مسلمانان خطاب

نموده و می‌فرمایند: ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود: ۵۶) یقیناً من بر خدا که پروردگار من و پروردگار شماست توکل کردم؛ هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که او مهارش را به دست [قدرت و فرمانروایی خود] گرفته است، مسلماً پروردگارم بر راهی راست است. نتیجه توکل در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است، فرمود: ﴿مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبْ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ﴾؛ هر کسی که توکل بر خدا کند مغلوب نمی‌شود و کسی که به دامن لطف خداوند چنگ بزند شکست نمی‌خورد». (سبزواری: ۱۳۷۲/ح ۹۰۷) همچنین در حدیث دیگری از امام علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است که فرمودند: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ»؛ کسی که بر خدا توکل کند مشکلات در برابر او خاضع، و اسباب برای او سهل و آسان می‌گردد» (تمیمی آمدی، ح ۹۰۲۸)

مقام معظم رهبری، در دیدار با اقشار مختلف مردم در مورد توکل چنین می‌فرمایند: وقتی شما اطمینان به فضل الهی و برکات الهی پیدا کردید، اولین خاصیتش این است که احساس قدرت می‌کنید، احساس نیرومندی می‌کنید، ضعف و ترس و مانند اینها از شما دور می‌شود؛ و این خیلی با ارزش است. احساس دیگری که در شما به وجود می‌آید، چون؛ متکی به خدا، متکی به قدرت لایزال، متکی به نعمت بی‌زوال هستید، ایجاد امید است، در شما امید به وجود می‌آید، امید رشد می‌کند، دل شما روشن می‌شود به نور امید؛ وقتی امید بود، توکل بود، اعتماد به - نفس بود، "اتکاء به قدرت الهی" بود، آنوقت یک ملت، شکست‌ناپذیر می‌شود؛ یک انسان، تبدیل می‌شود به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، از لحاظ حرکت، از لحاظ پیشرفت. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۵/۲۲ معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از جمله توکل، ایمان در خود و در جامعه است. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۹۷/۱۱/۲)

بنابر این توکل فردی جوان نقش موثری در پیشرفت و توسعه معنویت دارد، زیرا که این خصلت در او اعتماد و اطمینان به نفس را پرورش می‌دهد و با توجه به حدیث

«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است. (تمیمی آمدی، ۲۳۲) با اعتماد به نفس که در اصل اعتماد به خداست، این توکل شکل می‌گیرد.

۲.۱. توکل اجتماعی جوان

کسی که توکل بر خدا دارد در برابر شیاطین "جن و انس" تسلیم نمی‌شود و تحت تأثیر اقبال و ادبار مردم و اجتماع قرار نمی‌گیرد و آن چه مورد تأیید ذات اقدس اله است برای او ارزشمند می‌باشد و با توکل، تسلیم امر الهی می‌شود.

دربیان اهمیت توکل و تسلیم امر الهی در کلیه امور به آیاتی از قرآن کریم در ذیل اشاره می‌شود که این گونه در قرآن به رسولان الهی خطاب شده است: ای قوم من! اگر به خدا ایمان آورده‌اید، پس بر او توکل کنید اگر از تسلیم شدگان [در برابر فرمان‌های حق] هستید. ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ﴾ «انَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (یونس: ۸۴) و در سوره نحل آیه ۹۹ همین مطلب تکرار شده است.

پس از درک اخلاص و رسیدن به قدرتی که توسط ارتباط خالق و مخلوق کسب نموده است، تجربه شخصی‌اش را برای دیگران بیان نموده و آن‌ها را به اخلاص دعوت می‌نماید. او با بیان مصداق‌هایی، جامعه را به این خصلت سوق می‌دهد. و این دعوت در سیره ائمه معصومین دیده می‌شود، چنانچه امام علی علیه السلام خطاب به مردم می‌فرمایند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ، تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ وَثِقُوا بِهِ﴾؛ فَإِنَّهُ يَكْفِي مِمَّنْ سِوَاهُ؛ ای مردم توکل بر خدا کنید و به او اعتماد داشته باشید چرا که؛ انسان را از غیر خود بی‌نیاز می‌کند» متقی هندی (م ۹۷۵ یا ۹۷۷ هـ). و وصول این تفکر در فرد و انتقال آن در جامعه شروع خوبی برای توسعه معنویت می‌باشد.

مقام معظم رهبری، در توکل و ارتباط با خدا در راه ملت ایران می‌فرمایند:

«در این راه عظمت و عزّتی که ملت ایران در پیش دارد، توجّه به خدا و توکل به خدا و ارتباط با خدا، یک نقش بزرگ و اساسی دارد. عده‌ای غافلند، همه‌اش روی محاسبات

مادّی محض محاسبه می‌کنند؛ در محاسباتشان معنویّت و کمک الهی و توکل به خدا و حسن ظنّ به وعده الهی کأنّه هیچ راهی ندارد. خب این محاسبات مادّی را مستکبرین عالم هم دارند می‌کنند، بهتر از شما هم می‌کنند، چرا روزه‌روز عقب می‌روند؟ چرا دچار این همه مشکلات می‌شوند؟ چرا مجبور می‌شوند ظلم کنند؟ چرا مجبور می‌شوند لشگرکشی کنند - به افغانستان، به عراق، به پاکستان - انسانهای بی‌گناه را بکشند؟ «وَ إِنَّمَا يَحْتَاٰجُ إِلَى الظُّلْمِ ضَعِيفٌ؛ کسی ستم کند که ضعیف و ناتوان باشد» (رضایی، صحیفه سجادیه ۲۷۱/۱۳۹۰؛ صدوق؛ ۴۹۱/۱۳۸۵؛ مجلسی، ۱۳۶۲ / ۲۰۳). با سلاح قدرت توکل اجتماعی می‌توان بر دشمنان فائق شد در آیه شریفه آمده است ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق: ۳) داشتن توکل به خداوند یکی از مظاهر "ایمان" است.

۲. ایمان

ایمان یک ارتباط قلبی و اعتقادی به یک معبود (خداوند) است. به صورتی که فرد بر اساس مقررات به آن عمل می‌کند و به آن پایبند است و آن را در خود تقویت می‌کند. بنابر آیه ۲۸ سوره رعد که بیان شده است یاد خدا را در دل هایتان قرار دهید که این خود یک ارتباط با خداوند است و ایمان فرد را تقویت می‌نماید، ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.

۱.۲. ایمان فردی جوان

یکی از ویژگی‌های جوان، داشتن قلب پاک است. او در این سن، نسبت به افرادی که از سن بیشتری برخوردار هستند، کمتر به مال و مقام تعلق خاطر دارد؛ به همین سبب زمینه تحول فکری و گرایش به حق، در جوانان بیشتر است.

پیامبر اکرم ﷺ در تعریف ایمان فرموده‌اند: «وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ ﷺ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (سید رضی، ح ۲۱۸) (یعنی ایمان شناخت با دل

وگفتن با زبان و عمل با ارکان بدن است و در حدیثی در کتاب نهج البلاغه آمده است که حضرت می‌فرماید: **إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لُنْظَةً فِي الْقَلْبِ؛ كُلَّمَا أَزْدَادَ الْإِيمَانُ، أَزْدَادَتِ اللَّمْظَةُ؛** ایمان در دل چون؛ نقطه سفیدی پیدا می‌شود، هرچند ایمان افزوده شود آن نقطه سفید فزونی می‌گیرد. (سیدرضی، همان) پس در ابتدا جوان باید ایمان را توسط آموزش‌هایی که فراگرفته است در خود پرورش، سپس به بشریت انتقال دهد. مقام معظم رهبری، خطاب به جوانان با ایمان می‌فرماید: «عزیزان من! جوانان مؤمن و پرشوری که خدا دل‌های شما را به نور ایمان روشن و منور کرده است! امروز بشریت به همان ایمانی که شما دارید محتاج است. (بیانات در دیدار مردم نوشهر، ۱۳۷۲/۰۲/۱۸) بنابراین؛ جوان موظف است این نوری که در او پرورش یافته است را به دیگران تعلیم دهد.

۲.۲. ایمان اجتماعی

ایمان یعنی امنیت، کسی که ایمان دارد همانا امنیت او در اجتماع نیز تأمین شده است؛ اگر فاقد ایمان، احساس امنیت کند، باید آن را از مصادیق احساس امنیت کاذب و دروغین دانست که شخص را گرفتار توهم احساس امنیت کرده است. ارتباط ایمان و امنیت، ارتباط لازم و ملزومی است که هیچ‌گونه جدایی از هم ندارد. پس هر جا امنیتی هست ایمان نیز وجود دارد و هر جایی که ایمان باشد امنیت است. از این رو خداوند در آیات بسیاری بیان می‌کند که اهل ایمان، هرگز گرفتار خوف و ترسی از آینده نیستند؛ چنان‌که حزن و اندوهی نسبت به گذشته ندارند؛ زیرا ایمان ایشان تأمین‌کننده امنیت کاملی است که هر گونه حزن و خوفی را برمی‌دارد. (پوریا؛ ۱۳۹۶) انسان دائماً با اجتماع در ارتباط است، و بنا بر فطرت خود در جامعه عکس‌العمل نشان می‌دهد. اگر فرد نسبت به دیگران، دارای ایمان اجتماعی باشد زندگی سعادت‌مندی را خواهد داشت. و اما ایمانی که در اجتماع لازم الاجراست چیست؟ در حکمت سی و یکم نهج البلاغه از حضرت تقاضا کردند درباره ایمان برای آن‌ها صحبت کند. «سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ»؛ فرمودند: «**الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ**»؛ ایمان روی چهار پایه استوار است. منظور از

چهار پایه این است که اگر پایه‌ها محکم بود، ایمان می‌ماند؛ اما اگر پایه‌ها سست شد یا فرو ریخت، ایمان به همان نسبت فرو میریزد. به طور کامل ساقط نمی‌شود، اما به همان نسبت فرو میریزد.

حضرت این چهار پایه را بیان فرمودند: «عَلَى الصَّبْرِ وَ الْيَقِينِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ».

صبر: اول، ایستادگی و استقامت در همه زمینه‌هاست. می‌خواهید برنامه‌ای را دنبال کنید؛ تا آخر پای آن برنامه بایستید. می‌خواهید کاری را انجام دهید؛ آن کار را تمام کنید. البته معنای ایستادگی، در همه جا یکی است؛ یعنی همان قوت انسانی و استقامت و پافشاری؛ منتها هر جایی یک طور خودش را نشان می‌دهد: صبر در مقابل اطاعت، صبر در مقابل معصیت، صبر در مقابل مصیبت. پایه دیگر ایمان بر یقین استوار است.

صبر، در برابر هر انگیزه‌ای است که انسان را از خداوند دور می‌کند؛ بنابراین تخلق به هر یک از اخلاقیات ایمانی، نیازمند صبر است، زیرا در اخلاق، ایمان و خلق نیکو، با معیار اثرگذاری آن در تقرب انسان به خداوند نیکو شمرده می‌شود و در برابر هر خلق نیک، خلق بدی قرار دارد که گرویدن به آن آسانتر است؛ ولی تخلق به اخلاق نیکو، نیازمند پایداری و تمرین و ممارست است. از این گذشته مقاومت در برابر چیزهایی که انسان را از خداوند دور می‌سازد، در صورتی انجام می‌گیرد که انسان به خداوند مؤمن باشد و نسبت به او معرفت داشته باشد. بدون شناخت خداوند و اوصاف او و بدون ایمان، نمی‌توان هیچ عملی را به سبب مقرب بودن نیکو شمرد و یا بالعکس. بنابراین ایمان به معنای معرفت و یقین به خداوند و اسماء حسناى او، شرط ضروری و مقدمه لازم صبر است. از طرف دیگر، ایمان علاوه بر اقرار زبانی و معرفت یقینی مشتمل بر عمل به ارکان نیز می‌باشد و عمل به مقتضای معرفت، خود نیازمند صبر و مقاومت است. در نتیجه می‌توان گفت بدون صبر، ایمان کامل که التزام عملی به دین خداست امکانپذیر نیست. پس رابطه ایمان و صبر، دو طرف دارد: از یکسو ایمان نظری سازنده صبر است و از سوی دیگر، بدون صبر، ایمان عملی تحقق نمی‌یابد. بنابراین جوان در کلیه شئون فردی و اجتماعی نیازمند به این دو عامل مهم در

انجام وظایف خویش است.

کسی که در مصیبت‌ها زبان به شکایت می‌گشاید، از ضعف معرفت و ایمان نظری خود خبر داده است. به عبارت دیگر، نقص شناخت و یقین، او را از شکیبایی عاجز کرده است. کسی نیز که بر طاعت صبر نمی‌کند، نتوانسته است به لوازم معرفت خود ملتزم بماند. او قادر نیست در راهی که معرفت خداوند در برابر انسان می‌گشاید گام نهد؛ پس ایمان او کامل نمی‌شود. همچنین است کسی که در برخورد با گناه اختیار از کف می‌دهد و مرتکب گناه می‌شود. او نیز به هنگام گناه، گویی از خدایی که می‌شناسد غافل می‌شود و به اقتضای ایمان نظری خود عمل نمی‌کند. در روایات بر رابطه ایمان و صبر تأکید بسیاری شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: *وَ عَلَیْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيْمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَ لَا خَيْرَ فِیْ جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَ لَا [خَيْرًا] فِیْ إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ؛* (سیدرضی؛ کلمات قصار، ۸۲) صبر پیشه کنید! زیرا صبر برای ایمان همچون سر برای بدن است و هیچ خیری در بدن بدون سر نیست و هیچ خیری در ایمانی که صبر با آن نیست نمی‌باشد. یقین: یقین همان علم است. پایه‌های یقین را نباید متزلزل کرد؛ این شک را نباید مثل موریانه به پایه یقین انداخت. یقین را باید استوار نگه داشت. اگر به‌طور طبیعی در ذهن جوان سؤالی به ذهن آمد، باید برود آن سؤال را دنبال کند تا شک و تردید برطرف شود؛ اما خودش نباید وسوسه کند؛ جوان نباید یقین را در خودش یا در دیگران ن‌زایل کند؛ یقینیات را دچار تردید و تبدیل به مشکوکات نکند، بلکه یقینیات را در خود و جامعه پرورش دهد.

عدل: پایه سوم ایمان عدل است. عدل یعنی هر چیزی در جای خود قرار گرفتن. معنای لغوی عدل هم یعنی میانه. اعتدال هم که می‌گویند، از این واژه است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپروی و بدون راستروی. این هم که می‌گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به‌خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به‌وجود می‌آید. در رفتار انسان، عدل لازم است. برای حکمران، عدل لازم است. در موضع‌گیری،

عدل لازم است. در اظهار محبت و نفرت، عدل لازم است. قرآن فرموده است: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَدَلًا لَا تَعْدِلُوْا﴾؛ دشمنی با کسی موجب نشود که شما دربارهی او از عدالت کناره بگیرید و عدالت را رعایت نکنید؛ «اعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ». بنابراین عدل هم یکی از پایه‌های ایمان است. اگر عدل بود، ایمان می‌ماند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۵/۱)

باعنایت به تعاریفی که از ایمان اجتماعی و توسعه معنویت بیان شد به اهمیت این ارتباط پی برده می‌شود که اگر بنای پایه‌های ایمان محکم بود عدل اجتماعی به معنای اعتدال، بدون هیچ گونه افراط و تفریط و با همان تعادلی که هدف نظام آفرینش بر آن بنا گذاشته شده بوجود خواهد آمد.

جهاد: پایه آخر، جهاد است. جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم: مبارزه علمی می‌کنم، مبارزه اجتماعی می‌کنم، مبارزه سیاسی می‌کنم، مبارزه مسلحانه می‌کنم؛ همه اینها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آن جایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۲/۵/۱)

مقام معظم رهبری، در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور می‌فرمایند: یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ ایمان و روحیه در مردم، همین نمازهای جمعه و خطبه‌های جمعه و حضور معنوی مردم در صحنه نماز جمعه است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۸/۴/۱۲) انسان

دائماً با جامعه و مسائل اجتماعی و اخلاقی برخورد می‌کند و بنا بر فطرت خود در برابر آن‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد انسان اگر مکتب و عقیده و ایمان پیوسته داشته باشد هم سعادت‌مند و دارای زندگی بوده و هم تکلیفش در زندگی مشخص است. در بیانات مقام معظم رهبری، به اهمیت داشتن عقیده و ایمان که از عوامل مهم و مؤثر در سعادت‌مند شدن جامعه اشاره شده است که این موضوع خود بیان‌گر ارتباط عدل با ایمان فرد مکتبی می‌باشد که باید به صورت مستمر محور رفتار مردم در جامعه اسلامی باشد.

ایمان و امنیت، ارتباط مستقیمی باهم دارند و لازم و ملزوم هم هستند، و با موضوع خودسازی جوان نیز مرتبط است و در سایه این ایمان فرد در وادی امنیت و آرامش قرار می‌گیرد. در نتیجه ایمان که در ابتدا به صورت فردی سپس در اجتماع جلوه می‌کند باعث می‌شود که برفرد هیچ‌گونه حزن و ترسی غلبه نکند و فرد به این باور و قدرت دست یابد.

بنابراین؛ می‌توان با توکل فردی و در پی آن توکل اجتماعی و ایمان فردی و به دنبال آن در جامعه خدا باوری را در جوان نهادینه نمود. جوان با توکل به خدا می‌تواند در تصمیم‌گیری‌هایش قدرت و توان بیشتری پیدا نموده و پس از درک آن، دیگران و افراد جامعه را به توکل و اخلاص دعوت نماید و همچنین با پرورش ایمان فردی، به باور توکل رسیده و اثر توکل را جامعه، مشاهده خواهد نمود. به این صورت توسعه معنویت توسط خویش‌سازي که تأثیر آن بالتبع بازخورد آن در جامعه دیده می‌شود. برای نهادینه نمودن معنویت در جوانان اصل نهادینه کردن خدا باوری و سپس پرورش خودباوری در طول خدا باوری و نه عرض آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

راهکار دوم: پرورش خود باوری در جوانان

خودباوری به معنی دیدن استعدادها و توانایی شخصی هر فرد است به گونه‌ای که؛ به فرد در رسیدن به چیزی که می‌خواهد به آن برسد کمک می‌کند. خودباوری گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود از جمله گفتاری، رفتاری و... اعتماد به نفس شروع موفقیت هر انسانی، خویش‌سازي و خودباوری است که محصول این دو، اعتماد به نفس است.

خداوند در آیه ۲۴۹ سوره بقره می‌فرماید:

﴿كَم مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَت فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۲۴۹)؛ چه بسا لشکریان اندکی که بر لشکریان فراوان به اذن پروردگار عالم پیروز شدند. و همچنین در آیه‌ای دیگر خطاب به عموم مردم می‌فرماید: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ، وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۸) این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران؛ و سست نشوید؛ و غمگین نگردید؛ و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. و همچنین حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «بی‌نیازی و عزت در حرکتند، هنگامی که محل توکل را بیابند در آن جا وطن می‌گزینند.» (کلینی؛ ۱۳۸۸، ۳/۱۰۵) و در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که جبرئیل پرسیدند: «توکل چیست؟» فرمودند: «علم به این که مخلوق نفع و ضرری نمی‌رساند و بنده‌ای که مأیوس از کمک دیگران باشد، برای غیر خدا کاری انجام نمی‌دهد و به غیر از خدا امید نمی‌بندد و از غیر خدا نمی‌ترسد و به غیر خدا طمع نمی‌ورزد.» (مجلسی؛ ۱۴۵۷: ۱۳۸ / ۶۸) بر حسب این روایت، توکل بر خدا می‌تواند سبب تقویت اعتماد به نفس و خودباوری باشد.

در روایتی دیگر امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر آسمان‌ها و زمین درهای خود را بر روی بنده‌ای ببندند و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود. آرامش خود را در حق جست‌وجو کن و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیاندازد.» (ابن ابی الحدید؛ ۶۴۹ق: ۳۷۵/۲) یکی دیگر از نشانه‌های اعتماد به نفس و خودباوری، آرامش است. در روایتی دیگر نیز، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم که زاد و توشه سفر قیامت است. تقوا توشه‌ای است که شما را به منزل رساند و پناهگاهی است که ایمن می‌گرداند.» سیدرضی، خ ۲۴ (۱۰) تقوای الهی داشتن، یکی از نشانه‌های افراد دارای اعتماد به نفس و خودباور است چون؛ هر کس تقوا پیشه کند و در پی آن ارزش خود را بشناسد خداوند را نیز می‌شناسد پس عظمت او را درک می‌کند و با درک عظمت الهی و اعتماد به قدرت او به خودباوری می‌رسد.

مقام معظم رهبری، می‌فرمایند: برای ملت ما هیچ عیدی بزرگتر از این عید نیست که انسان احساس کند جوانهایش به خودشان اعتماد دارند؛ اعتقاد دارند؛ باور دارند که می‌توانند کارهای بزرگ را انجام بدهند و این عزم راسخ را پیدا می‌کنند که این کار را انجام بدهند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵)

مقام معظم رهبری، در بیانی دیگر می‌فرمایند: خطرپذیری می‌تواند جامعه را موفق کند. شما جوانها باید آماده باشید؛ ترس از این که شاید نشود، این خیلی چیز بدی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۵/۶/۲۵)

بنابراین جوان برای رسیدن به موفقیت به عامل خودسازی و خودباوری نیازمند است که این عوامل خود زمینه ساز اقدام به کارهای بزرگ و ایجاد عزم راسخ برای عمل به آن کارها می‌باشد و این روحیه خودباوری، موجب حق طلبی و ظلم ستیزی و نداشتن ترس و هراس از هیچ قدرتی به جز قدرت لایزال الهی می‌گردد که ایجاد این روحیه ستودنی است.

بنابر این؛ یکی دیگر از راهکارهای توسعه معنویت توسط خویشتن‌سازی جوان، پرورش خودباوری است، در این راستا جوان باید صبور باشد و در راه رسیدن به هدفش از هیچ تلاشی کوتاهی نکند. بنابراین در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی و جامعه ابتدا باید زمینه خودباوری را در خویش تقویت کند که لازمه آن، خدا باوری است که با تلاش و تقویت ایمان و توکل قلبی که در راهکار نهادینه کردن خدا باوری جوان به آن اشاره شد تکمیل می‌شود. این خودباوری، یک نیروی حرکت ساز است که جوان در خود، پرورش می‌دهد و در سایه آن در جامعه با توسعه معنویت توسط خویشتن‌سازی جوان که در اقتدار و پایداری نظام و دستیابی به قله‌های پیشرفت و توسعه کشور اسلامی بسیار مؤثر بوده توسعه و ترویج می‌دهد... پس این روحیه انقلابی جوان و خودباوری و اعتماد به نفسش، و در پی آن افزایش نیروی اراده و توانمندی، لازمه گسترش معنویت در جوان می‌باشد.

راهکار سوم: افزایش نیروی اراده و توانمندی

اراده، قدرتی است که توانایی کنترل افکار و رفتارها را می‌دهد در پی آن توانایی می‌توان

اقداماتی را انجام داد. با این حال تنها یک توانایی نیست. اراده تنها زمانی اراده است که رفتارهایتان از تصمیمات آگاهانه پیروی کنند. زمانی که اراده باشد، می‌توان خود را از انجام یک کار برحذر کرد یا خود را وادار به کاری نمود، حتی اگر برعکس آن وسوسه شوند. که در آیات و روایات مختلفی به راهکار آن اشاره شده است در آیه ۴۵ سوره بقره می‌فرمایند: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره: ۴۵). از صبر و نماز یاری جوید و (با استقامت و کنترل هوس‌های درونی و توجه به پروردگار نیرو بگیرید) این کار جز برای خاشعان، گران است. در روایتی امام علی علیه السلام می‌فرمایند: از تقوا به عنوان عامل تقویت اراده و مالکیت نفس که نقش عمده‌ای در ترک گناه و عادات ناپسند دارد، یاد می‌کند و می‌فرمایند: آگاه باشید! خطاها و گناهان مانند اسب‌های سرکش و لجام گسیخته‌ای هستند که گناه‌کاران بر آنها سوارند و آنان را در قعر دوزخ سرنگون خواهند ساخت و تقوا همانند مرکب‌های راهوار و آرامی است که صاحبانشان بر آنها سوارند و زمامشان را به دست دارند و آنان را تا بهشت پیش می‌برند (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶). تقوا همان اراده و توانمندی فرد برای غلبه بر اعمال و افکار ناپسند است.

مقام معظم رهبری، در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا در مورد همت، ایمان، نظام جمهوری اسلامی ایران و اراده ملی می‌فرمایند: این کشور با عزم و اراده مستحکم شما که از ایمان دینی برخاسته باشد، می‌تواند روزبه‌روز مقتدرتر بشود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۸/۱۲) یک ملت از لحاظ دانش باید پیشرفته باشد، از لحاظ اخلاق، از لحاظ ایمان، از لحاظ عزم و اراده، تا بتواند اقتدار خود را حفظ کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۷/۱۴)

بنابر این افزایش اراده انسان عزم راسخ را در جوان ایجاد می‌کند. که منجر به انجام یا عدم انجام کاری می‌شود. وجوان با اراده و عزم محکم، با امنیت و ایمان می‌تواند اقتدار فردی و اجتماعی خود را تقویت نموده و با توسعه معنویت از طریق خویش‌سازي به هدف اصلی برسد. به عبارت دیگر اراده جوان در توسعه معنویت نیاز به پایداری و تلاش مستمر در

خودسازی و همچنین از خود گذشتگی دارد.

بنابراین؛ از پراهمیت‌ترین راهکارهای توسعه معنویت توسط خویشتن‌سازی جوان، افزایش نیروی اراده و توانمندی جوان است. هرچقدر جوان این نیرو را در خود تقویت کند توانایی کنترل افکار و رفتارها را دارد و در پی آن می‌تواند اقدامات مهم‌تری را نیز انجام دهد. پس در نتیجه جوان باعزم و اراده، می‌تواند روزه‌روز ایمان را در خود بیشتر تقویت کند سپس باتلاش، بر توسعه معنویت نقش خود را در جامعه و کشور، پررنگ‌تر نشان دهد. پس در این جا روحیه انقلابی جوان و عزم راسخ؛ اراده جوان در این زمینه افزایش یافته، و تفکر، توسط اراده جوان، به رفتار مبدل می‌شود.

راهکارچهارم: از خود گذشتگی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های نیروی انسانی

۱.۱.۱. ایثار فردی و اجتماعی

«ایثار، برگزیدن غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن، منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن، و این کمال درجه سخاوت است. کرامت کردن، ایثارگری آن است که ایثار می‌کند یا آماده ایثار است» (دهخدا ۱۳۸۵/ ۳۸۳)

مرگ و زندگی مهم‌ترین مسئله آدمی در طول تاریخ است. آدمی فطرتاً طالب حیات است و متقابلاً از مرگ فراری است، لذا جدی‌ترین مسئله در زندگی را مرگ تشکیل می‌دهد که دغدغه انسان را به خود اختصاص داده است. نوع نگاه آدمی به مرگ تأثیر بسیار قابل توجهی در نحوه زندگی آدمی دارد. (بهرمان؛ ۵۲/۱۳۹۰) یکی از مصادیق مرگ، ایثار و از خودگذشتگی است. این خصیصه والای انسانی در همه بخش‌های زندگی انسان حضور و بروز دارد. در ابعاد فردی و اجتماعی و بخش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، و... نمونه‌های آن را فراوان می‌توان یافت. ایثار در لغت چنین آمده است: در مکتب اسلام ایثار دارای دامنه گسترده‌ای است که از نفسانیت خویش در پیشگاه خداوند تا جنبه‌های توحیدی و سیاسی را در بر می‌گیرد در اسلام ایثار نه تنها بستری جهت طی طریق و نیل به

درجات عالی برای انسان فراهم می‌سازد، بلکه زمینه ساز دفاع از آرمانهای متعالی اسلام که در فرد واجتماع حلول یافته است در قرآن کریم در آیه ۲۰۷ سوره بقره می‌فرمایند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾. و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد [مانند امیرالمؤمنین علیه السلام و خدا به بندگان مهربان است.

و خداوند در آیه دیگر، آیه ۱۱۱ سوره توبه می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ.

و همچنین در روایتی امام علی علیه السلام می‌فرمایند: **لا تَكْمَلُ الْمَكَارِمُ إِلَّا بِالْعَفَاةِ وَ الْإِيثارِ** (تمیمی آمدی، ح ۱۰۷۴۵) خصلت‌های والای انسانی، جز با عفت و ایثار، کامل نمی‌گردد. و پیامبر اکرم ص در مورد جهاد در راه خدا و منزلت و جایگاه جهاد هم نکات زیبایی را بیان فرمودند: که به راحتی می‌توان این احادیث را از کتاب نهج الفصاحه تهیه و گردآوری کرد، ایشان جهاد در راه خدا را جزء بهترین کارها در نزد خداوند می‌شمارند: **أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ الصَّلَاةُ لَوْ قَتِمَتْهَا، ثُمَّ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ، ثُمَّ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** یعنی: «بهترین کارها در نزد خداوند نماز به وقت است، آن‌گاه نیکی با پدر و مادر، آن‌گاه جهاد در راه خدا و البته نزدیکترین کار در نزد خداوند جهاد در راه خداوند است. (پاینده؛ ۱۳۸۳، ح ۷۰)

در روایتی دیگر نیز پیامبر اکرم ص می‌فرمایند: **«أَقْرَبُ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يُقَارِبُهُ شَيْءٌ»**، یعنی: نزدیکترین کارها در نزد خداوند جهاد در راه خداست و چیزی مانند آن نیست. (پاینده؛ ۱۳۸۳، ح ۴۲۷)

مقام معظم رهبری، همچنین در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ایثار و شهادت طلبی در دفاع مقدس می‌فرمایند:

شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. این، اولین موضعگیری شهید است. اگر او خود را به حساب می‌آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمیداد، به این مقام نمی‌رسید. این جوانانی که در جبهه‌های جنگ، در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب شصت و پنج درجه حرارت و یا در سرمای کردستان، بر روی کوه‌های پر از برف، رفتند و جان را فدا کردند، همشان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگر گوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند و رفتند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۶/۲/۱۷) مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۹۷/۱۱/۲۲)

مقام معظم رهبری، در بیاناتی دیگر در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجو»، و «کنگره شهدای هنرمند می‌فرمایند: فرهنگ شهادت، عامل پیشرفت کشور خواهد بود.

مقام معظم رهبری، در این مورد می‌فرمایند: فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه‌گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه‌ای اگر جا افتاد، درست نقطه مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه چیز را برای خود و با محاسبه شخصی می‌سنجند؛ برای همه چیز یک قیمت اسکناسی و پولی قائلند و آن، به دست آوردن آن پول است؛ این درست نقطه مقابل آن فرهنگ است؛ یعنی «و یُوْثِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ»؛ اینها کسانی هستند که "ایثار" می‌کنند (حشر، ۹)؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و

برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت. (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۳/۱۱/۲۷)

بنابر این؛ یکی از موثرترین خصلت‌های یک انسان مؤمن که در همه عرصه‌های مختلف زندگی ظهور می‌کند ایثار و فداکاری است که بالاترین درجه ایثار گذشتن از خود و مقدم داشتن کرامت انسانی در تمام زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی است و ارتباط ایثار فردی با توسعه معنویت توسط خویشتن‌سازی و پذیرش آن توسط جوان و سپس تعلیم آن، ظهور و درک درستی از ایثار در منظر جوان ایجاد می‌کند. همه این شاخص‌ها باید در ابتدا، در جوان پرورش یافته سپس او به دیگران تعلیم دهد. شهادت، بالاترین و بالاترین درجه از ایثار است. فرهنگ ایثار یک ارزش والا در سطح جامعه است. باید در این زمینه روحیه جوانان را تقویت نمود در نتیجه، تقویت کردن جوانان در این در زمینه در اولین مرحله به صورت فردی در خود و سپس به صورت اجتماعی در جامعه می‌توان در میزان اعتقادات افراد نقش بسزایی داشته باشد. پس جوان با روحیه ایثار و از خود گذشتگی پرورش یافته تا در صورت لزوم دفاع از انقلاب اسلامی، آماده باشد که جان خود را در راه اسلام فدا کند.

راهکار پنجم: بعد از آموزش گرفتن (تعلیم) آموزش به دیگران (تعلیم)

در اسلام، آموزش هر علمی که مفید باشد، ارزشمند است، ولی ارزش همه علوم یکسان نیست. ارزش علم دین با سایر علوم، قابل مقایسه نیست. آموزش احکام و معارف دینی، مقدمه و شرط لازم رهایی انسان از آتش جهنم و رسیدن به سعادت ابدی است؛ از این رو در سیره معصومان علیهم السلام نیز به آن ارزش فراوان داده شده است. در آیات و روایات زیادی در خصوص تعلم و تعلیم بیان شده است خداوند در سوره جمعه در آیه ۲ می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ او کسی است که در میان مردمی امی رسولی را از خودشان مبعوث کرد تا آیات او را بر آن‌ها بخواند و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آن‌ها بیاموزد.

و همچنین در روایتی از پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: ﴿لِيُنْوَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَ، وَلِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ﴾؛ با کسی که به او دانش می‌آموزید (شاگرد) و کسی که از او دانش می‌آموزید (معلم) نرمخو باشید.»

مقام معظم رهبری، در مورد تحصیل علم و دانش می‌فرمایند:

امروز جوانهای ما بایستی، هم سلامت جسمی، و هم سلامت معنوی، و هم سلامت فکری را با هم داشته باشند و برای خودشان نگه دارند. سلامت جسمی را با ورزش و با تغذیه مناسب؛ سلامت معنوی و قلبی را هم با توجه به خدا، با نماز، با دعا، با توسل، با یاد شهدا؛ سلامت فکری را هم با کتاب‌خوانی تأمین کنید. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۹/۲۳)

لذا؛ لازم است جوان پس از خویشتن سازی، و بعد از تادیب نفس خود به تعلیم دیگران پرداخته و با این عمل مهم، معنویت را توسعه داده و تا حد توانش جامعه را برای ظهور ولی عصر خود آماده ساخته و به این صورت خود یکی از سربازان آن حضرت در عصر غیبت به حساب می‌آید.

بنابراین؛ بعد از آموزش گرفتن (تعلیم) آموزش به دیگران (تعلیم) است. پس از خویشتن سازی با کمک فراگیران، شایسته است که؛ او نیز آموخته‌ها و دانش خود را به دیگر جوانان جامعه آموزش داده و به آن‌ها در این زمینه یاری رساند و این امر باعث می‌شود تا معنویت توسعه پیدا نموده و علاوه بر تقویت معنویت خود، دیگران را نیز در این زمینه یاری رساند.

نتیجه:

اسلام با تبلیغات دینی توسط پیامبر شروع شده و در توسعه، ترویج و نفوذ آن تا حد زیادی در جهان تأثیر گذار بوده است. این مسیر الهی توسط پیامبر ﷺ و معصومین به تمام جهان نشان داده شد و ادامه این حرکت توسط، ائمه، اصحاب، فقها، علما و جوانان انقلابی صورت پذیرفته است. در حقیقت جوانان انقلابی در هر عرصه تلاش بر این داشتند تا

معنویت را توسعه داده و جامعه را برای آمدن منجی آماده نمایند. اگرچه برخی از آن‌ها با توجه به اقتضای زمان خود جان بر کف گذاشته و تقدیم اسلام نموده و به فیض رفیع شهادت رسیده‌اند، اما جوانان انقلابی هستند که ادامه دهنده راه آن‌ها بوده و با عنایت یه سخن بزرگان به توسعه معنویت اهتمام داشته و آرزوی رسیدن به فیض شهادت را دارند. اما در این میان موانعی وجود دارد که مانع پیوستن عده‌ای از جوانان به این گعده می‌شود؛ عواملی چون؛ تبلیغات سوء دشمن برای جوانانی که به هر دلیلی به‌طور کامل با معارف اسلام آشنایی ندارند. وهمین فضای خالی باعث می‌شود تا دشمن به خود اجازه نفوذ در قلب جوان را بدهد. پس برای پر کردن این فضا و جلوگیری از نفوذ دشمن ارائه راهکارهایی الزامی می‌باشد. که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

به صورت کلی: پرورش یک جوان انقلابی از طریق (خویش‌سازی) و بیان یافته‌ها توسط همان جوان در جامعه

به صورت جزئی:

نهادینه کردن خدا باوری اعم از: آموزش و پرورش نیت مخلصانه به جوان و تعلیم آن توسط او در جامعه

مستقر نمودن شاخصه توکل (فردی) و در نهایت ترویج آن توسط جوان در اجتماع

پرورش روح ایمان (فردی) و در نهایت تبلیغ آن در جامعه توسط جوان

نتیجه سه مرحله اول رسیدن به خدا باوری و خودباوری است، پس تثبیت این روحیه برای توسعه معنویت در جوان الزامی است. چرا که؛ توسط این باور به قدرت لایزال الهی متصل شده و با شجاعت در راه انقلاب گام برداشته و دارای عزمی راسخ می‌شود.

پس از تثبیت روحیه انقلابی جوان و اکتساب عزم راسخ؛ اراده جوان افزایش یافته، و تفکر، توسط اراده جوان، به رفتار مبدل می‌شود.

در مرحله پایانی لازم است جوان با روحیه ایثار و از خود گذشتگی و شهادت طلبی پرورش یافته تا در زمان دفاع از انقلاب، آماده جانفشانی باشد.

پس از خویشتن‌سازی با کمک متعلمین و اراده شخص جوان؛ شایسته است که او نیز آموخته‌های خود را به دیگر جوانان آموزش داده تا همانند افرادی که به او یاری رساندند تا از شر دشمنان در امان بماند؛ در توسعه معنویت کوشا بوده و قطع‌کننده این زنجیره نبوده و علاوه بر تقویت معنویت خود دیگران را برای ظهور آن حضرت آماده سازد. نتایج استحصالی؛ از آیات و روایات و با توجه به سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۲، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم
۲. ابن بابویه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، ۱۳۸۵، کتاب من لا یحضره الفقیه، ترجمه و متن مترجم محمد جواد غفاری، نشر تهران، دارالکتب الاسلامیه،
۳. انصاری، علیرضا، پاییز سال ۱۳۸۸، راه کارهای جذب جوانان به دین، مجله معارف اسلامی شماره ۷۷
۴. انوری، حسن، ۱۳۸۸، فرهنگ سخن، تهران، چاپ پنجم، انتشارات سخن
۵. بهرمان، نسترن، ۱۳۹۷، الزامات اخلاقی برخاسته از ایمان به معاد از منظر نهج البلاغه، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران
۶. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، نهج الفصاحه، انصاریان
۷. جلال الدین السیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، ۷۲۴/۲، الاتقان، (المتوفی ۹۱۱هـ)، : دار الفکر - بیروت.
۸. جهانگللو، رامین، ۱۳۸۳، نقد عقل مدرن، ترجمه حسین سامعی، تهران، چاپ سوم، انتشارات نشر و پژوهش روزافزون.
۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶، فرهنگ دهخدا، ج ۱۳، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۶، فرهنگ لغت نامه، ج ۶، ۸۸۳۳، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۱. شاکرنژاد، احمد ۱۳۹۸، «تحلیل گونه‌های معنویت‌گرایی بر اساس بیانات رهبر انقلاب، بی‌جا.
۱۲. صادقی، هادی، بی‌تا، ایمان در اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، شماره اول زمستان.
۱۳. علی بن الحسین، امام زین العابدین ۱۳۹۳، صحیفه سجادیه، رضایی، محمد مهدی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، نمایندگی مقام معظم رهبری، در دانشگاه‌ها

۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۸۳، العین، اسعد الطیب، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ج ۱
۱۵. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ هـ.ق، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ج ۳ تهران، دارالکتاب الاسلامیه
۱۶. مجلسی، محمد تقی ۱۳۶۲ ق، بحار الانوار، ج ۶۸ و ۶۴ و ۸۴ تهران، دارالکتب اسلامیه
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی؛ ۱۳۸۸ خودشناسی برای خودسازی، قم، چاپ اول انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، جامعه و تاریخ، قم: ملاحظه
۱۹. معین، محمد، ۱۳۶۴، فرهنگ معین، تهران، ج ۴، زرین: نگارستان کتاب
۲۰. KHAMENEI.IR
۲۱. پوریا، علی، ارزش امنیت فردی - اجتماعی، <http://kayhan.ir/fa/news/107571>، ۲۰/۱۱/۹۹
۲۲. <http://www.hadithlib.com/hadithxts/view/300832>. کتابخانه احادیث شیعه